

فضل الله و اردشیر زاهدی

✦ محمد قربانی

<http://www.irdc.ir/fa/content/15834/default.aspx>

به جرأت میتوان گفت که یکی از دلایل اصلی فساد در دوران حکومت پهلوی، عدم شایسته سالاری در زمینه انتخاب افراد برای مناصب مهم و حساس کشور بود، که همین امر را میتوان زمینه ساز بسیاری از مفاسد در آن زمان به حساب آورد. بدون شك سرسلسله این بحث در دوران پهلوی را میتوان شخص محمد رضا پهلوی دانست، که تنها به پشتوانه شاهزاده بودن، پس از پدرش قدرت را در دست گرفت و همه امورات کشور تحت لوای ملوکانه وی رتق و فتق میشد. در این تحقیق با اشاره به افرادی چون اردشیر زاهدی، اسدالله علم، جمشید آموزگار و . . . که به پشتوانه نسبی خود به سطوح بالایی نظام شاهنشاهی رسیده بودند طی چند عنوان مقاله به ارزیابی ادعای اصلی این تحقیق خواهیم پرداخت.

فضل الله زاهدی

فضل الله زاهدی معروف به بصیر دیوان در سال ۱۲۷۲ هجری شمسی در همدان به دنیا آمد. پدرش خرده مالک و پیشکار و جلودار امیر افخم قره گزلو بود. فضل الله در دوران کودکی و نوجوانی تحصیلات مختصری در حد خواندن و نوشتن نمود و با ارتباطی که خانواده ی او با سرهنگ رضاخان، فرمانده آترپاد همدان داشتند او را به قزاقخانه بردند و وی دوره آموزشگاه افسری را طی کرد و در سال ۱۲۹۳ ستوان سوم شد و در تیپ همدان مشغول به کار گردید. فضل الله زاهدی با شرکت در چند مخاصمه، از جمله جنگ با خالو قربان و احسان الله خان و نیز شرکت در سرکوب اسماعیل آقا سمیتقو، توانست به سرعت مدارج نظامی را طی کند و به درجات بالای نظامی برسد. اما خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود، چرا که از این زمان به بعد دوران پر نشیب و فراز زندگی فضل الله آغاز میشود. از زندانی شدن در زندان شهربانی رضا شاه به جرم اهمال در مراقبت از زندانیان، تا زندانی شدن توسط متفقین به جرم همکاری با آلمانها.

با همه ی این احوالات، ستاره اقبال فضل الله زاهدی در سال ۱۳۲۸ دوباره طلوع می کند و او در این سال توسط دکتر اقبال به ریاست شهربانی برگزیده میشود، و دور دنیا دوباره بر مراد فضل الله زاهدی چرخیدن خود را آغاز کرد. زاهدی پس از این زمان به مناصبی مانند سناتور مجلس و وزارت کشور رسید. اما ظاهراً فضل الله زاهدی زندگی یکنواخت را دوست نداشت و همیشه به دنبال ماجراجویی بود، چرا که از سال ۱۳۳۱ در تقابل با دکتر مصدق قرار گرفت که تا سال پیش از آن در کابینه اش به عنوان وزیر حضور داشت. علاقه وافر زاهدی به قدرت سبب شد تا وی به یکی از بازیگران اصلی کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد تبدیل شود. و در نهایت توانست پس از مصدق، به آمال خود جامه عمل بپوشاند و به عنوان نخست وزیر ایران انتخاب شود.

وی در این دوران به دنبال هر چه بیشتر کردن قدرت خود بود و تقریباً اعتنایی به شاه نداشت، تا جایی که فردوست در خاطرات خود می گوید، فضل الله زاهدی در حفظ سمت خود مصمم بود و اردشیر هم در کنار او حضور داشت و تقریباً بی اعتنا به محمد رضا بود و کمتر به دیدار او میرفت. محمد رضا پهلوی که به شدت از قدرت گرفتن فضل الله زاهدی بیمناک شده بود در سال ۱۳۳۴ با چراغ سبز آمریکا، عذر زاهدی را خواست و از وی استعفا گرفت و او را از پست نخست وزیری عزل کرد. پس از آن زاهدی به طور محترمانه با عنوان سفیر کبیر سیار ایران در اروپا، به اروپا تبعید شد. و تا زمان مرگش در سال ۱۳۴۳ در همین عنوان بود. پس از مرگ پدر نوبت به پسر رسید تا برای اندوختن و افزودن به گنجینه خاندان زاهدی بیش از پیش فعالیت کند.

اردشیر زاهدی

اردشیر زاهدی پسر فضل الله زاهدی در مهر ماه سال ۱۳۰۷ در تهران به دنیا آمد. او پس از تحصیلات ابتدایی در تهران و اصفهان، تحصیلات متوسطه را در سال ۱۳۲۵ در دبیرستان اسلامی بیروت به پایان برد و راهی آمریکا شد. وی در سال ۱۳۲۸ گواهینامه کشاورزی را از کالج کشاورزی ایالت یوتا آمریکا دریافت کرد. وی از زمان تحصیل در بیروت با کرمیت روزولت، عامل آمریکایی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آشنا شد و با سرویس اطلاعاتی آمریکا در ارتباط قرار گرفت. خاطرات کرمیت روزولت، حضور فعال اردشیر زاهدی را با نام مستعار مصطفی و ویسی در جریان عملیات کودتا در تهران نشان میدهد. اردشیر زاهدی به خاطر نقش فعال در کودتا به دریافت نشان درجه یک رستاخیز نائل شد و در ۳ آبان ۱۳۳۲ آجودان کشوری شاه شد.

اردشیر زاهدی در فاصله سالهای ۱۳۳۱ تا ۱۳۵۷ مشاغل متعددی را به شرح ذیل تجربه کرد. استخدام در وزارت کشاورزی در سال ۱۳۳۱. وی در این دوره در معاونت خزانه داری کمیسیون مشترک ایران و آمریکا برای بهبودی امور روستایی (اصل ۴ ترومن) بود. مشاور مخصوص نخست وزیر (سپهبد فضل الله زاهدی) پس از کودتای ۲۸ مرداد. آجودان کشوری محمد رضا شاه پهلوی (۳ آبان ۱۳۳۲). سرپرست دانشجویان ایرانی خارج از کشور و نماینده مخصوص شاه در امور دانشجویان خارج از کشور (۱۳۳۸). سفیر شاه در آمریکا (اسفند ۱۳۳۸ تا اسفند ۱۳۴۰). سفیر کبیر ایران در لندن (شهریور ۱۳۴۴) در زمان نخست وزیری علم. وزیر خارجه ایران (بهمن ۱۳۴۵ تا شهریور ۱۳۵۰) کابینه هویدا. سفیر ایران در آمریکا (اسفند ۱۳۵۱ تا دی ۱۳۵۷). اردشیر زاهدی به خاطر خوش خدمتی هایی که از خود نشان داد نشانهای متعددی را نیز دریافت کرد. نشان درجه یک رستاخیز به دلیل شرکت در کودتای ۲۸ مرداد، نشان درجه دو تاج و نشان درجه یک همایون.

پیوند خانوادگی اردشیر زاهدی و محمدرضا پهلوی:

اردشیر زاهدی پس از ازدواج با شهناز پهلوی، رابط محمد رضا با سیا شد. به احتمال زیاد یکی از عوامل موثر در نزدیکی اردشیر زاهدی به محمدرضا پهلوی و اعتبارش نزد وی به ارتباط تشکیلاتی اردشیر زاهدی به سیا و آمریکا باز می گردد. در سال ۱۳۵۸ مجله اطلاعات هفتگی به نقل از منشی آمریکایی اردشیر زاهدی در دوران سفارت آمریکا اعلام کرد که به ۴۰۰۰ هزار نفر از رجال، شخصیتها و روزنامه نگاران آمریکایی، از طرف شاه ایران رشوه داده می شد و

اردشیر زاهدی رابط پرداخت این رشوه ها بود. فردوست در خاطرات خود میگوید که پس از مرگ اسدالله علم، اردشیر زاهدی تلاش زیادی کرد تا جای او را در زمینه روابط خارجی محمد رضا پهلوی بگیرد، اما نتوانست اعتماد محمدرضا را در این زمینه جلب کند.

در رابطه با ازدواج اردشیر زاهدی با شهناز پهلوی، در کتاب پدر و پسر نوشته محمود طلوعی اینگونه آمده است که شاه در نظر داشت که دخترش را برای ملك فيصل دوم، پادشاه جوان عراق نامزد کند، که داستان عشق و عاشقی شهناز با اردشیر پیش آمد و شاه هم به ناچار به این ازدواج رضایت داد. اردشیر با این ازدواج، موقعیت خود را در دربار تثبیت کرد و کمی بعد با عنوان سفیر کبیر ایران به لندن رفت. شهناز پس از هفت سال زندگی مشترک با اردشیر، به دلیل فساد اخلاقی اردشیر از او جدا شد. حاصل ازدواج اردشیر زاهدی با شهناز پهلوی (دختر محمد رضا پهلوی) دختری به نام مهناز بود.

وضعیت وزارت امور خارجه در زمان اردشیر زاهدی:

آن طور که از نوشته ها بر می آید اردشیر زاهدی با آمدن خود به وزارت امور خارجه، افراد معلوم الحالی را وارد این دستگاه کرده که به شدت باعث نارضایتی کارمندان تحصیل کرده این وزارت خانه شد. محمود طلوعی در کتاب بازیگران عصر پهلوی می گوید، اردشیر زاهدی از نظر روش کار و طرز رفتار با کارکنان وزارت خارجه و سفرای ایران در خارج از کشور، وضعی استثنایی داشت. او با کلمات و اصطلاحات رکیک و چاله میدانی به کارمندان خود و مقامات سطح بالای وزارت خارجه ناسزا می گفت. البته نحوه ی بی ادبانه ی برخورد زاهدی، فقط مخصوص دیپلمات های ایرانی و اعضای وزارت خارجه ایران بود، و این فرد در مقابل خارجی ها خیلی مبادی آداب بود و با زرنگی های خاص خودش، چه در مقام وزارت و چه در زمان تصدی سفارت ایران در لندن و واشنگتن بیشتر از اسلاف خود موفق بود. البته علت اصلی این موفقیت این بود که او با شاه خیلی راحت و بی پرده صحبت میکرد، در حالی وزیران خارجه ی دیگر، فقط نقش منشی شاه را بازی می کردند و اختیاری از خود نداشتند. اردشیر زاهدی بر اثر درگیری با هویدا و فحش و کتک کاری با او مجبور به استعفا شد و جانشین او در وزارت خارجه، عباسعلی خلعتبری شد. سال های وزارت خارجه اردشیر زاهدی (بهمن ۴۵ تا شهریور ۵۰) یکی از بد نام ترین دوره های تاریخ وزارت امور خارجه می باشد.

اردشیر زاهدی و سفارت ایران در آمریکا

اردشیر زاهدی علیرغم سرسپردگی کامل به محمد رضا شاه، به مناسبت خدمات پدرش در کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ پیوسته برای خود سهمی در حکومت قائل بود. و بعضاً مطالبی را عنوان میکرد که دیگران جرأت ابراز آن را نداشتند. از جمله آنکه آشکارا از هویدا انتقاد کرده و اعتنایی به او نداشته است. به علت اختلافات با هویدا، اردشیر زاهدی به مدت ۵ سالی که وزیر خارجه بود، حتی برای يك بار در جلسه هیأت وزیران حاضر نشد و معاونین خود را به این جلسات می فرستاد. وی در مکاتبات و برخوردها، به هویدا فحاشی می کرد، ولی هویدا به خاطر اینکه از ارتباط ویژه او با شاه با خبر بود از پاسخ گویی خودداری میکرد. ولی يك بار که اردشیر زاهدی در يك مکاتبه صریحاً به هویدا

فحش داده بود، شاه از او خواست که نامه خود را پس بگیرد و اگر نمیتواند با هویدا کار کند، استعفا دهد. در نتیجه او استعفا داد و پس از آن به عنوان سفیر ایران در آمریکا انتخاب شد.

اردشیر زاهدی پر سر و صداترین و جنجالی ترین سفیر ایران در آمریکا به شمار میرفت. او در دو دوره و بیش از هشت سال این مقام را عهده دار بود، و به مناسبت‌های مختلف مجالس بزم و لهو و لعب در سفارت ایران ترتیب میداد، و در آن مجالس از دولتمردان و سناتورهای و اعضای کنگره و دیگر سرمایه داران خارجی دعوت میکرد. ویلیام سولیوان، آخرین سفیر آمریکا در ایران، در خاطراتش میگوید یکی از عوامل موثر در جلب حمایت از شاه در واشنگتن، فعالیت های اردشیر زاهدی سفیر شاه در آمریکا بود که یکی از پر تحرک ترین و فعال ترین دیپلمات های خارجی در واشنگتن به شمار می آمد و مخصوصاً به خاطر مجالس مهمانی و پارتی های تماشایی و پر زرق و برقش شهرت داشت. سولیوان در ادامه میگوید به طور کلی من زاهدی را سیاستمداری جدی و وزین نیافتم، هرچند او زیرکی های خاص خود را داشت.

نقش اردشیر زاهدی در زمان انقلاب

در بحبوحه انقلاب، اردشیر زاهدی برای بقای رژیم تلاش زیادی انجام داد. او پس از دیدار با کارتر در آمریکا برای دیدار با شاه به ایران آمد و چند بار هم از تهران با برژینسکی گفتگو کرد. محمود طلوعی در کتاب بازیگران عصر پهلوی میگوید، اردشیر زاهدی در سال بحرانی ۱۳۵۷ توانسته بود به عنوان سفیر ایران نظر موافق رهبران آمریکا، به خصوص کارتر و مشاور امنیت ملی او برژینسکی را به حمایت از شاه در برابر جریان‌های انقلابی جلب نماید و اگر شاه، خود عزم و اراده کافی برای مقابله با نیروهای انقلابی را داشت، می توانست از این موقعیت حداکثر استفاده را ببرد. گری سیک رییس قسمت ایران در شورای امنیت ملی آمریکا در زمان انقلاب در کتاب خود تحت عنوان همه سقوط می کنند به تفصیل درباره رابطه زاهدی و برژینسکی در زمان انقلاب ایران توضیح میدهد. وی میگوید که برژینسکی به توصیه زاهدی به شاه ایران تلفن کرد و پشتیبانی قاطع و بدون قید و شرط آمریکا را از وی اعلام نمود. برژینسکی با تقاضای اردشیر زاهدی کارتر را هم قانع کرد که طی يك پیام خصوصی، پشتیبانی کامل خود را از هر اقدامی که شاه برای برقراری آرامش در کشورشان ضروری میدانند، اعلام نماید.

البته آنطور که سولیوان میگوید شاه اعتنای چندانی به حرفها و تلاش زاهدی نداشت و میگوید که شاه بعد از اینکه در حضور من با زاهدی تلفنی صحبت کرد، گفت که زاهدی اوضاع را درك نمیکند و فکر میکند حالا هم میشود مثل سال ۱۳۳۲ (منظور کودتای ۲۸ مرداد است) عمل کرد. گری سیک ادامه میدهد که زاهدی در آن شرایط حساس، داوطلب نخست وزیری هم بود و بعد از رفتن هویدا، تحقق این خواسته را محقق میدانست.

اردشیر زاهدی در زمان انقلاب، به مدت دو ماه در تهران حضور داشت و در این مدت هم با کاخ سفید درارتباط بود و چندین بار برژینسکی را وادار کرد که با شاه تماس گرفته و او را به شدت عمل در برابر مخالفان و تشکیل يك دولت قوی تشویق نماید. زاهدی با فرماندهان نظامی نیز مرتباً تماس میگرفت و جلساتی با آنها داشت.

اردشیر زاهدی که دریافته بود خودش انتخاب شاه برای پست نخست وزیری نخواهد بود، سرانجام موافقت شاه را برای تشکیل يك دولت نظامی به ریاست ارتشبد اویسی جلب کرد. تردیدهای شاه در مورد تشکیل يك دولت نظامی

هم با تلفن مجدد برژینسکی و حمایت علنی وی برطرف شد. ولی ناگهان شاه به جای اویسی، ازهارى را به نخست وزیرى انتخاب کرد و زاهدی که از این تغییر تصمیم ناگهانی شاه متحیر و خشمگین شده بود، بدون خداحافظی از شاه، ایران را برای همیشه ترك کرد...

منابع:

- ۱- بازیگران عصر پهلوی (از فروغی تا فردوست). پدید آور: محمود طلوعی. نشر علم ۱۳۸۳
- ۲- شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران. نویسنده: باقر عاقلی. نشر علم ۱۳۸۰
- ۳- ظهور و سقوط سلطنت پهلوی (خاطرات حسین فردوست). ناشر: اطلاعات. ۱۳۸۲
- ۴- اردشیر زاهدی؛ به روایت اسناد ساواک. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات. ۱۳۷۸
- ۵- ماموریت در ایران. ویلیام سولیوان. مترجم محمود مشرقی. تهران؛ نشر هفته. چاپ دوم ۱۳۶۱